

ارزورگاری که دارالفنون ومدارسی به سبک وسیاق جدید درکشورمان دایرشد وازسوی دیگرشمارهائی روزنامه به فرهنگ روزمردم، همه گیرشدن صنعت چاپ، ترجمه متون خارجی و دیگر جلوه‌های مختلف دنیای مدرن بودیم سال‌هامی گذرد؛ همان‌مظاهری که نه تنها شکل وسمایل ایران دوره مشروطه را عوض کرد بلکه حتی منجر به تولد ادبیات کودک ونوجوان درکشورمان شد. آغازی که باحضورچهره‌های شاخصی همچون نسیم شمال، بهار، ابوالقاسم لاهوتی ومیرزا اسماعیل خان تبریزی همراه شد و حوزه تازه‌ای را در بخش مهمی از فرهنگ مان رقم زد. باوجود عمر به نسبت کوتاهی که ادبیات معاصرمان می گذرد اما شاهد روندی روبه رشد در داستان نویسی گروه سنی کودک ونوجوان بوده‌ایم. آثاری که با پندو اندرزدهی بی واسطه آغاز شدند و حالا به وضعیتی قدم گذاشته که نویسندگان این عرصه معتقد به پرهیز از آموزش مستقیم هستند و حتی برای جنبه‌های زیبایی شناختی وویژگی‌های ادبی اثرهم جایگاه ویژه‌ای قائل هستند. این تغییر رنگه تا جایی پیش رفت که شاهد انتشار آثار برخی اهالی این عرصه حتی در آن سوی مرزها بودیم؛ نوشته‌های افرادی همچون هوشنگ مرادی کرمانی گرفته تا فرهاد حسن زاده و... که برخی نه تنها به زبان‌های دیگر ترجمه ومنتشر شده‌اند بلکه حتی به کتاب‌های درسی مدارس غربی هم راه یافته‌اند. باوجود همه محدودیت‌های پیش روی دایره جغرافیایی زبان فارسی و ازسویی نبودن ایران به معامله کپی رایت، شاهد موفقیت‌هایی در این عرصه بوده‌ایم، هر چند که به تبع شرایطی که تحریم‌های

سیاسی واقتصادی حاکم برکشورمان سبب شده وحالاشیوع کرونامه پیش ازپیش بر شدت آنها افزوده اوضاع چندان خوبی براین بخش ادبیات‌مان حاکم نیست. بخشی ازگفته‌های نویسندگان این عرصه را در گفت‌وگوهایی بامحمد رضا شمس ومهدی رجبی از فعالان ادبیات کودک ونوجوان می‌خوانید. اینکه ادبیات این گروه سنی، بویژه در عرصه تألیف شرایط مطلوبی ندارد وسایستگداران کشوراگر خواهان هدایت جامعه فردا به سوی ایرانی بهتر هستند باید از همین حالا با سرمایه‌گذاری برای کودکان ونوجوانان آغاز کنند؛ اتفاقی که تحقق بخش مهمی از آن درگرو کتابخوان شدن نسل آینده است. محمد رضا شمس را آنهایی که پیگیر ادبیات کودک ونوجوان هستند می‌شناسند: نویسنده‌ای که علاوه بر تألیف در عرصه ترجمه هم حضوری جدی دارد؛ او کمی بعد از پیروزی انقلاب با رسانه‌های خاص کودک ونوجوان همچون «کیهان بچه‌ها»، «رشد»، «سروش نوجوان» و... هم همکاری پیوسته داشته؛ برخی داستان‌های شمس در کتاب‌های درسی مقطع دبستان هم جای گرفته‌اند. اما مهدی رجبی، نویسنده به نسبت جوانی است که از ورود اونیز به این عرصه سال‌ها می‌گذرد. رویکردی که رجبی در اغلب نوشته‌هایش در پیش گرفته گویای توجه او به مسائل روانشناختی وازسویی مشکلاتی است که کودکانی با شرایط خاص جسمی یا اجتماعی درگیر آنها هستند. نوشته‌های رجبی در برخی جایزه‌ها وجشنواره‌های جهانی موفق به کسب عنوان برگزیده شده که از جمله آنهایی توان به برگزیده فهرست کتابخانه مونپخ و همچنین جایزه کلاغ سپید آلمان اشاره کرد. درباره وضعیت فعلی ادبیات کودک ونوجوان از زبان این دو نویسنده کشورمان می‌خوانیم.

بررسی وضعیت ادبیات کودک ونوجوان در گفت‌وگو با مهدی رجبی ومحمد رضا شمس

عاقبتی ترسناک در انتظار جامعه دور از کتاب

■ آقای رجبی ارزیابی‌تان از وضعیت فعلی کتاب‌های کودک ونوجوان بویژه در بخش تألیف چیست؟

وضعیت پیچیده‌ای است؛ هم از جهت شرایط نامطلوب اقتصادی و هم محدودیت‌ها وموانعی که ابتلا به کرونا ایجاد کرده ومشکلاتی افزون برگذاشته را به نشر و فرهنگ‌مان تحمیل کرده است. هرگاه شرایط نامطلوب می‌شود نخستین قربانی، عرصه فرهنگ وبویژه کتاب است. نمی‌دانم چه بر سر بخش‌های مختلف نشرمان خواهد آمد؛ به گمانم باید کمی بیشتر صبر کنیم چراکه هرچه بگویم ممکن است برعکس آن رخ بدهد. از معدود کارهایی که این روزها تا حدی در فرهنگ از زنده نگه می‌دارد همین اقدامات برخی دوستان وعلاقه‌مندان در فضای مجازی وشبکه‌های اجتماعی است که البته خود من علاقه چندانی به آن ندارم. با این حال همین کارها به مخاطبان کم سن وسال این مسأله را گوشزد می‌کند که حتی در شرایط فعلی هم نباید کتابخوانی را فراموش کنیم، ما ملتی هستیم که بهای چندانی برای تولیدات فرهنگی قائل نیستیم و نه تنها مسئولان، بلکه خودمان هم به‌محض مواجهه با هر مشکلی اولین کالایی که از زندگی‌مان حذف می‌شود کتاب است؛ تازه اگر کتاب جایی در سبد خرید خانوارمان داشته باشد. این در حالی است که کتاب همان مهم‌ترین بخش زندگی است که نباید حذف شود. اگر کتاب از زندگی کودکان ونوجوانان حذف شود، به رغم کسب مدارک تحصیلی متعدد بازم به افرادی بی‌سواد از نظر فرهنگی- اجتماعی روبه‌رو خواهیم بود. ادبیات یکی از مهم‌ترین ابزارها در راستای آگاه‌سازی بچه‌ها در قبال آدم‌ها، جامعه و حتی محیط زیست است. باید به هر ترتیبی چراغ غریبه نشر را روشن نگه داشت تا این سال سخت تمام شود. ■ در ماه‌های اخیر شاهد مراجعه بیشتر مردم به پلتفرم‌های فروش کتاب برای آثار چاپی یا حتی فرمت‌های دیجیتال آن‌ها هم‌چون e-book بوده‌ایم؛ این استقبال ناوخته‌تأحید منجر به حفظ مخاطبان کتاب‌های کودک ونوجوان شود؟ فکر نمی‌کنم آن چنان تأثیری به جای گذاشته باشد. اما طور که از آمار کتاب‌های خودم وشنیده‌ام درباره آثار دیگر دوستان متوجه شده‌ام اوضاع خیلی بدتر از قبل شده است. اینکه فکر کنیم پلتفرم‌های فروش کتاب جبران محدودیت‌های مراجعه به کتابفروشی‌ها را کرده‌اند تصور اشتباهی است. اگر فروش اینترنتی تأثیر قابل توجهی گذاشته بود شاهد کم شدن فاصله انتشار کتاب‌ها بودیم؛ اما این‌طور نشده است.

■ این مسأله چه تأثیری در کم‌توان شدن کتاب‌های تألیفی این گروه سنی داشته؟ برای آنکه امکان ایده‌جیات از ناشران در شرایط دشوار فعلی سلب نشود آنان ترجیح می‌دهند به سراغ نویسندگانی بروند که صاحب آثاری منتخب در جویز بین‌المللی شده‌اند یا منتقدان جهانی درباره موفقیت آنها اتفاق نظر داشته‌اند. وضعیت فروش ترجمه، هرچقدر هم بی‌کیفیت باشند خیلی بهتر از کتاب‌های تألیفی است. اما وقتی بحث تألیف، بویژه کتاب چاپ اولی از نویسندگان جوان به میان می‌آید ناشر ناچار به حساب و کتاب می‌شود؛ حالا بحث سود پیمکنش، مسأله اصلی نگرانی از بازگشت سرمایه اصلی است. خروج از چنین شرایطی وظیفه بحرانی هم تمهیدات اقتصادی در نظر بگیرند تا بخش فرهنگ وبویژه کتاب از ادامه حیات خود بازمانند. اینکه می‌گویم شرایط بهتر نشده بخشی براساس وضعیتی است که خودم تجربه می‌کنم؛ بایتنکه سال‌هاست نوشتن حرفه اصلی زندگی‌ام شده‌ام تا تأثیر وضعیت فعلی در آدم چیزی نداشته که به صفر برسد. اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، با توجه به اینکه همچنان با کرونا دست به گریبان خواهیم بود چیزی از نشرمان باقی نمی‌ماند.

■ باید منتظر تعطیلی تألیفات کودک باشیم؟

اگر اوضاع به همین روال ادامه پیدا کند چیزی نمانده که تألیف آثار کودک ونوجوان تعطیل شود. باز اوضاع ترجمه بهتر است ومشکلات

کمتری پیش روی آن قرار دارد؛ اما بزرگ‌ترین بحران متوجه ما نویسندگان است که دیگر کاری از عهده‌مان ساخته نیست. مهم‌ترین مسئولیت به عهده مسئولان و همه آنهایی است که باید از فرهنگ دفاع کنند، از رسانه‌ای نظیر تلویزیون گرفته تا وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی باید برای تداوم حرکت صنعت نشرمان تلاش کنند. صنعت نشر چرخه گسترده‌ای را شامل می‌شود که حذف یا تضعیف روزافزون آن منجر به بیکاری طیف وسیعی می‌شود که باید منتظر تبعات آن برای کلیت جامعه باشیم. یکی از اتفاقات خوبی که طی این سال‌ها شاهد آن بودیم ورود نویسندگان جوانی به ادبیات کودک ونوجوان بوده که برخلاف نسل‌های قبل، با نگاهی جدی به این عرصه، نوشتن را آغاز کرده‌اند وبرخوردار دانش نظری خوبی هستند. مگر تعداد کل نویسندگان کودک ونوجوان وهمچنین گروه سنی بزرگسال در نهایت چند نفر می‌شود که نتوان از آنان حمایت کرد؛ در بهترین شکل ممکن، حتی با احتساب آنهایی که فقط یک کتاب نوشته‌اند به پنج هزار نفر

عموم ما ایرانیان کتاب نمی‌خوانیم. بعد می‌گویم چرا

کتاب‌های ما با تیراژهای آن چنانی منتشر نمی‌شوند. اگر چنین گلایه‌هایی مطرح می‌کنیم باید آن طرف ماجرا را هم ببینیم. اینکه اگر مسئولان کاری نمی‌کنند خودمان هم توجهی به ضرورت مطالعه در میان اعضای خانواده نداریم

می‌رسد. حالا بماند که تعداد نویسندگان جدی همه گروه‌ها شاید در خوش‌بینانه‌ترین شکل ۲۰۰ نفر شود. خسارت فرهنگی عظیمی است که جرآن آن هزینه بسیاری را طلب می‌کند؛ هر چند که شاید تا حدی هم غیرممکن باشد.

■ تعطیلی بخش تألیف چه تبعاتی برای جامعه به دنبال دارد؟

وقوع این اتفاق شکل‌گیری جامعه نابهنجاری را سبب می‌شود؛ در شرایطی که افتخارمان به فرهنگی چند هزار ساله است باید برای بقای آن کار کنیم. در استفاده از ابزار مهمی همچون ادبیات در جامعه‌پذیری افراد به هر دو حوزه تألیف و ترجمه به یک اندازه نیاز است. اگر کم‌کم نویسندگانمان دلسرد شده ودست از کار بکشند امکان کسب تجربه فرهنگی از داشته‌های خودمان برای بچه‌های غیرممکن می‌شود. آن وقت است که بچه‌ها به محیط زیست و آدم‌ها جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و... غریبه می‌شوند. کتاب خارجی هم خوب است اما در آن خبری از این فرهنگ مشابه و دردهای مشترک و حتی خوشی‌های شبیه‌هم نیست.

■ چه آسیبی متوجه نسل آینده می‌شود؟

عاقبت ترسناکی است. در ایران با حدود ۱۵ میلیون دانش‌آموز روبه‌رو هستیم؛ حتی اگر آنان را ۱۰ میلیون نفر هم در نظر بگیریم همچنان رقم قابل توجهی است. با این حال تیراژ کتاب‌ها

در نهایت یک هزار واغلب پانصد نسخه است. چرا؟ چون عموم ما ایرانیان کتاب نمی‌خوانیم. بعد می‌گویم چرا کتاب‌های ما با تیراژهای آن چنانی منتشر نمی‌شوند. اگر چنین گلایه‌هایی مطرح می‌کنیم باید آن طرف ماجرا را هم ببینیم. اینکه اگر مسئولان کاری نمی‌کنند خودمان هم توجهی به ضرورت مطالعه در میان اعضای خانواده نداریم. بچه‌ای که دور از کتاب پرورش پیدا کرده عجیب نیست که در نوجوانی به‌دنبال فالو کردن فلان آقا یا برو که از هر لفظ ناشایست یا صحبتی برای جذب مخاطبان کم سن وسال بهره می‌گیرد. کودکانی که اینچنین به هفده-هجده سالگی برسند که دیگر قابل تغییر نیستند. حالا هرچقدر بگویم رسانه ملی باید توجه بیشتری به ترویج کتابخوانی داشته باشد کسی جدی نمی‌گیرد؛ برنامه یک ساعته آخر شب، آن هم وقتی همه خواب هستند که تأثیری به‌جای نمی‌گذارد. ای کاش مسئولان رسانه ملی بگذارند پای نویسندگان به رادیو وتلویزیون باز شود. مگر کتاب گناهی کرده که برخی این چنین درصدد

تغییر آن هستند. ■ فرآغ از اینکه مسئولان باید چه کار می‌کنند یا نه، توصیه‌ای برای والدینی داشته باشید که هنوز متوجه ضرورت مطالعه نشده‌اند. ابتدای امر شاید ندانیم که حذف کتابخوانی چه تأثیری بر زندگی فرزندانمان به‌جای می‌گذارد، اما کمی که بگذرد وببینیم الگوی آنها افراد مبتدل شبکه‌های اجتماعی شده‌اند آن وقت است که تازه متوجه می‌شویم چه کرده‌ایم! آن وقت است که پدر خانواده از پرخاشگری دختری یا پسرش گلایه دارد و می‌گوید من که برای رفاه فرزندم هر کاری کرده‌ام پس چرا این‌طور شد. از این پدر و مادر باید پرسید که در سال‌های کودکی فرزندت برای او چند مرتبه کتاب خواندی؟ اصلاً حواست بود که کتابخوانی هم باید به عادت در زندگی‌اش تبدیل شود. اینها بخشی از آن روی ماجراجویی است که بدون جست‌وجو درباره چرایی‌اش تنها گلایه می‌کنیم. بچه‌ها را باید به سمتی هل داد که بخواهند بیشتر بدانند؛ آن وقت است که شاهد کاهش قابل توجه ناهنجاری‌های فردی و حتی اجتماعی خواهیم بود.

■ ارزیابی‌تان از عملکرد رسانه‌ها در این زمینه و حتی میزان اثرگذاری آن چیست؟ رادیو وتلویزیون از اثرگذارترین رسانه‌های کشورمان است که مسئولان آن متأسفانه کاری نمی‌کنند؛ برنامه‌هایی ساخته وپخش می‌شود اما آن قدر کم هستند که نمی‌توان انتظاری از آنها داشت. اگر رادیو وتلویزیون از اثرگذارترین رسانه‌های کشورمان است که مسئولان آن متأسفانه کاری نمی‌کنند؛ برنامه‌هایی ساخته وپخش می‌شود اما آن قدر کم هستند که نمی‌توان انتظاری از آنها داشت. اگر

■ از بحث ارزیابی وضعیت ادبیات کودک و نوجوان که بگذریم، سال‌ها از وقوع بیماری‌هایی همچون طاعون یا حتی بروز حوادثی نظیر جنگ جهانی دوم می‌گذرد؛ با این حال همچنان شاهد تألیف آثار متعددی در این رابطه هستیم. فکر می‌کنید پاندمی کرونا تا چه اندازه ادبیات امروزمان را تحت تأثیر خود قرار بدهد؟

اگرذاری این اتفاق جهانی از همین حالا شروع کند، حتی آن طور که در خبرها خوانده‌ام همین حالا آثار متعددی در جهان نوشته شده که به مرور منتشر می‌شوند. با فاجعه‌ای در سطح گسترده جهانی روبه‌رو هستیم که همه وجوه زندگی امروز را تحت تأثیر قرار داده؛ بخش مهمی از ادبیات هم بازنات اتفاقاتی است که بر اجتماع می‌گذرد. کرونا به‌رغم همه تبعات منفی‌اش برای انسان امروز لازم بود، باید اتفاقی رخ می‌داد تا برخی از چیزهایی که فراموشمان شده را به یاد آوریم؛ متأسفانه یادمان رفته بود که زندگی‌مان به یکدیگر گره خورده است. سال‌هاست خودخواهانه در حال تغییر و از میان بردن اکوسیستم به نفع خودمان هستیم، من‌کاری به نظریه توطئه ومباحث سیاسی که درباره شیوع این بیماری می‌گویند ندارم، این اتفاق را به‌نوعی پاسخ طبیعت به تعدی‌های بی‌دینی به حیات آن می‌دانم.

■ آقای شمس به‌عنوان یکی از فعالان ادبیات کودک ونوجوان، ارزیابی‌تان از وضعیت فعلی کتاب‌های این گروه سنی چیست؟

همچون ادبیات بزرگسال آسیب‌های متعددی متوجه این بخش است که از جمله آن می‌توان به شرایط نابسامان ترجمه اشاره کرد. مخالفتی با انتشار آثار خارجی ندارم، چراکه نشر و حتی فراتر از آن ادبیات‌مان به آشنایی با داشته‌های ادبی جهان نیازی جدی دارد؛ بویژه که ما بسیاری از مباحث و اصول ضروری برای ورود به ادبیات کودک ونوجوان را از آن سوی مرزها گرفته‌ایم. اما نکته‌ای که به آن تأکید دارم ضرورت برقراری توازن میان تألیف و ترجمه است. با این حال بازار کتاب‌مان مملو از ترجمه‌هایی شده که از کمترین سطح استاندارد برخوردارند و حتی گاهی فاقد ارزش ادبی هستند.

■ ناشران را چقدر می‌توان در بروز این آشفتگی مقصر دانست؟

شرایط اقتصادی و ازسویی ناشران بی‌تجربه، نشرمان را به سوی افزایش همکاری با مترجمان جوان و بی‌تجربه‌ای کشانده که حق الزحمه کمتری طلب می‌کنند. طبیعی است که چنین افرادی نتوانند به سبک ولحن صاحب اثر وفادار بمانند و در اغلب مواقع دست به انتشار ترجمه‌های تحت‌اللفظی بزنند. این مسأله رواج ترجمه‌هایی ناشایه و بی‌کیفیت را سبب شده است.

■ سروسامان بخشیدن به این مشکل باید از خود بدنه نشر شروع شود یا از سیاستگذاران فرهنگی هم‌کاری ساخته است؟

فارغ از اقداماتی که می‌تواند از بدنه نشر آغاز شود دولت با سیاستگذاری اصولی تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ کافی است مروری بر فعالیت معاونت فرهنگی در دوره‌های گذشته باشد؛ به‌خاطر حق الزحمه کمتری طلب می‌کنند. طبیعی است که چنین افرادی نتوانند به سبک ولحن صاحب اثر وفادار بمانند و در اغلب مواقع دست به انتشار ترجمه‌های تحت‌اللفظی بزنند. این مسأله رواج ترجمه‌هایی ناشایه و بی‌کیفیت را سبب شده است.

■ سروسامان بخشیدن به این مشکل باید از خود بدنه نشر شروع شود یا از سیاستگذاران فرهنگی هم‌کاری ساخته است؟

فارغ از اقداماتی که می‌تواند از بدنه نشر آغاز شود دولت با سیاستگذاری اصولی تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ کافی است مروری بر فعالیت معاونت فرهنگی در دوره‌های گذشته باشد؛ به‌خاطر حق الزحمه کمتری طلب می‌کنند. طبیعی است که چنین افرادی نتوانند به سبک ولحن صاحب اثر وفادار بمانند و در اغلب مواقع دست به انتشار ترجمه‌های تحت‌اللفظی بزنند. این مسأله رواج ترجمه‌هایی ناشایه و بی‌کیفیت را سبب شده است.

■ در این بین چه شرایطی برای تألیف قائل هستید؟ بویژه با آسیب‌هایی که تأکید دارید متوجه افراطی به ترجمه‌سبب شده؟

با توجه به مواردی که درباره برخی از آنها صحبت شد؛ تألیف در هیچ کدام از گروه‌های سنی حال و روز خوبی ندارد. افزون بر نابسامانی‌های ترجمه باید وضعیت بد اقتصادی کشور و به تبع آن بی‌توجهی مسئولان را هم به دلائل اثرگذار بر این شرایط اضافه کرد. توان اقتصادی مردم به شکل قابل توجهی کاهش یافته وهمان معدود کتابخوان‌هایی که ضرورت این بخش را درک کرده بودند توان کمتری برای خرید آثار منتشر شده دارند. مسائل ناشی از کرونا هم که اندک رمق باقی مانده برای نشرمان را گرفته، دیگر خبری از برپایی جلسات نقد و بررسی یا حتی دوره‌های قصه‌خوانی نیست. در فضای مجازی وشبکه‌های اجتماعی کارهایی می‌شود منتهی کافی نیستند و حتی گاهی به سبک وسیاق غیراصولی برگزار می‌شوند که بیش از هدایت منجر به سردرگمی مخاطبان می‌شوند. هر چند که به گمانم به مرور شاهد تقویت اقدامات مجازی خواهیم بود و فعالان این عرصه راه خود را پیدا می‌کنند.

■ حداقل در مورد ترجمه با این بحث روبه‌رو هستیم که مترجم یا ناشر به سراغ آثاری می‌رود که موفق به کسب جوایز مختلف شده‌اند یا در عرصه جهانی در زمره به اصطلاح best seller ها قرار گرفته‌اند. با این حال شما همچنان تأکید دارید که حتی شاهد انتخاب آثار خوبی در بخش ترجمه‌هم نیستیم؟

ضعف‌هایی که بر شمر دم قابل تعمیم به همه کتاب‌های ترجمه شده کودک ونوجوان نیست و بخشی از آثار ترجمه شده کیفیت خوبی دارند. کتاب‌هایی که از آن سوی مرزها به کشورمان راه پیدا می‌کنند باید آنقدر ترجمه‌های خوبی داشته باشند که به پیشبرد کتاب معاصرمان کمک کنند و البته یکی از ملزومات وقوع چنین اتفاقی رعایت حق کپی رایت است. ازسوی دیگر تا وقتی به «معاهده برن» نبودیم باید منتظر برخورد‌های نامناسب در کشور‌های دیگر بانویسندگان وناشران خود باشیم. تقصیری هم ندارند؛ وقتی حقوق دیگران را نادیده بگیریم آنان هم ما را به رسمیت نمی‌شناسند. آسیب این مسأله در ایجاد گسترده‌ای به همه ابعاد صنعت نشرمان لطمه می‌زند. بنابراین اگر در چنین اوضاعی دست به ترجمه می‌زنیم حداقل بهتر است به‌گونه‌ای باشد که انتشار این آثار به تبعات بین‌المللی آن ارزش داشته باشد. ترجمه براساس قوانین کپی رایت حتی بیش از اقدامات احتمالی مسئولان نشر بخش خواهد بود که یکی از



ابتدایی‌ترین آنها محدود شدن ترجمه آثار از سوی مترجمان مختلف بویژه در گروه سنی نوجوان است.

■ ضرورت محدود شدن ترجمه‌های چندباره را از جهت سردرگمی مخاطبان در انتخاب آثار می‌دانید؟

هم نکته‌ای که شما اشاره کردید و هم اینکه دیگر خبری از مسابقه‌ای که مدت‌هاست در انتشار آثار خارجی شاهد هستیم که به عرصه ترجمه‌های ناقص منجر شده نخواهیم بود. در اغلب موارد، بویژه در حوزه کتاب‌های کودک ونوجوان مخاطب آنقدر کم سن و سال است که متوجه ضعف ترجمه نمی‌شود و در عوض از کتابخوانی دور می‌شود.

■ ونیوسستن ایران به معامله برن چقدر در مجبور ماندن ادبیات کودک ونوجوان مان اثر گذار بوده؟

تا وقتی به قوانین بین‌المللی احترام نگذاریم آنها هم به سراغ ترجمه آثار ما نمی‌روند؛ این مسأله در نهایت، حذف ادبیات کودک ونوجوان را از عرصه بین‌المللی به دنبال خواهد داشت. باید تا به امروز همه این مناسبات حل شده بود تا دیگران ما را به چشم راهزنان فرهنگی نگاه نکنند. باوجود همه ضعف‌هایی که متوجه ادبیات این بخش شده نویسندگان خوبی در زمینه ادبیات کودک ونوجوان قدم به عرصه گذاشته‌اند که قادر به ارائه کارهایی در حد بین‌المللی هستند.

■ به گمانم یکی از مهم‌ترین دلایلی که نویسندگان ما در جویز جهانی

تا وقتی به قوانین بین‌المللی احترام نگذاریم آنها هم به سراغ ترجمه آثار ما نمی‌روند؛ این مسأله در نهایت، حذف ادبیات کودک ونوجوان را از عرصه بین‌المللی به دنبال خواهد داشت. باید تا به امروز همه این مناسبات حل شده بود تا دیگران ما را به چشم راهزنان فرهنگی نگاه نکنند. باوجود همه ضعف‌هایی که متوجه ادبیات این بخش شده نویسندگان خوبی در زمینه ادبیات کودک ونوجوان قدم به عرصه گذاشته‌اند که قادر به ارائه کارهایی در حد بین‌المللی هستند

انتخاب نمی‌شوند همین مسأله است که مناسبات جهانی را رعایت نمی‌کنیم. این مسأله حتی به کاهش ارتباطات ما با دیگر اهالی نشر و در نتیجه‌اش ابهام در بخشی از حوزه‌های ادبیات کودک ونوجوان شده؛ آنچنان که به‌عنوان مثال در همین گروه سنی در جریان بخشی از تحولات وسبک‌های انتشار کتاب نیستیم.

■ در عرصه کتاب‌های بزرگسال بخشی از ترجمه‌های ناقص به شتابی بازمی‌گردد که ناشران در عرصه کار‌های مطرح دارند. در حوزه کودک و نوجوان همچنین مسأله‌ای مطرح است یا اینکه همچنان مخاطبان این گروه سنی را جدی نمی‌گیرند؟

متأسفانه نهادهای ادبی و فرهنگی‌مان هنوز کودکان ونوجوانان را جدی نمی‌گیرند حالا ادبیات آنان که جای خود دارد؛ از اینکه کودکان آینده سازان کشورمان هستند می‌گویند اما این گفته‌ها همچنان در حد شعار مطرح است، حتی در برنامه‌های موفق تلویزیونی هم با جمله‌های اشتباهی روبه‌رو هستیم همچون اینکه «چرا مثل بچه‌ها رفتار می‌کنی؟» و... به کار بردن این عبارت‌های تحقیرآمیز در برنامه‌هایی نظیر فیلم‌ها وسریال‌ها حاکی از همین نگاه اشتباه است. اگر بچه‌ها جدی گرفته می‌شدند که اینقدر ترجمه‌های بد روانه بازار نشرمان نمی‌شد.

■ در شرایط امروز با نسل متفاوتی از پدران ومادران روبه‌رو هستیم، افرادی که به طور میانگین از سطح قابل قبول تحصیلات برخوردارند؛ در میان این خانواده‌ها هم شاهد توجه جدی به کتابخوانی نیستیم؟

حتی در میان این خانواده‌ها هم اگر صحبت با کتاب‌های درسی است؛ البته شرایط قدری بهتر شده و روند روبه جلویی را شاهد هستیم. برخی والدین حتی در شرایط فعلی هم تا حد توان کتاب می‌خرند که این اتفاق بنابراین اگر در چنین اوضاعی دست به ترجمه می‌زنیم حداقل بهتر است به‌گونه‌ای باشد که انتشار این آثار به تبعات بین‌المللی آن ارزش داشته باشد. ترجمه براساس قوانین کپی رایت حتی بیش از اقدامات احتمالی مسئولان نشر بخش خواهد بود که یکی از

